



درباره مظاهر مصفا

مظاهر مصفا
شاعر، فارسی‌پژوه و ادیب متولد ۱۳۱۱، ارک
اخذ چرخه دکتری ریاض و ادب فارسی از دانشگاه
ادبیات دانشگاه تهران
مدیر اداره آموزش و پرورش ارک، ۱۳۲۲
استاد مدعو دانشگاه شیراز ۱۳۵۵
استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ به بعد

نقد قصیده‌سرایان، مجمع‌الصفحا، مادیات (تصحیح و تنقیح)، دیوان حکیم سنایی (تصحیح و تنقیح)، کلیات شیخ اجل سعدی (تصحیح و تنقیح)، دیوان نظری نیشابوری، توفان ششم، سی‌پاره سی، سخن سپیدنامه، ده فریاد، شبنام شیراز، با استمداد حدیث، من نقد پارسی، راهی از لب بیست، برگی از دیوان حکیم مصفا، داستان‌های منثور (تصحیح و تنقیح) و...

کیوان آرا: مظاهر مصفا نمود بارز کسی است که خلوت گزیده است و گشتن و جستن از او پس صعب و دشوار می نماید. البته مصفا نیز در این موضوع مترقی است. به همین خاطر هر در جواب مکتوبی که چوایی احوال اوستی می گوید، با نکته من آن چه می کنم، باید عرض کنم، حدود ۲۵ سال است که در مطبوعات و رسانه های گفت و گو نمی کنم و من در این مورد یک جور روزم دارم. حالا هم از من نخواهد این روزه را بشنوم. در خلوت خود چیزهایی می نویسم و کارهایی می کنم. همین که به یاد من بودید، از شما تشکر می کنم. اما باید گفت که عمر، عمر را بپذیرید. نمی خواهم در این مودیت مصاحبه کنم. با این همه ننوشتن درباره مظاهر مصفا، آن هم در صفحه مهرگان منم با این آنگاه است. مظاهر مصفا باید هم گوشه گزینی کند. خودش می گوید: من تمام اندکهای جهان را تجربه کردم. همه را فریب دیدم. در نهایت به شعر رو آوردم، اما پس از مدتی دیدم شعر هم به نوعی فریب است.

یله شاعر گوشه نشین ما فارسی پژوهی است گرافتر و گرامیانه. مظاهر مصفا متولد سال ۱۳۱۱ است و در ارک دیده به جهان گشوده، تحصیلات ابتدایی اش را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران به پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به اخذ درجه دکتری ادبیات نایل آمد. موضوع پایان نامه اش تحقیق در قصیده (تجول) آن بود که توانست آن را با درجه ممتاز تصویب بگذراند. او در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد و چندی ریاست این اداره را در شهر ارک عهده دار شد و سپس به دانشکده شیراز منتقل گردید و در اداره انتشارات این دانشکده به فعالیت پرداخت. او در سال ۱۳۴۴ ریاست انتشاراتی وارد دانشکده تهران و دانشکده ادبیات شد و به کار تدریس پرداخت. درباره روزهایی تدریسش در دانشکده تهران می گوید: شلوغ ترین کلاس ها، کلاس او بوده است. جمله معروفی که از او هنوز هم میان شاگردانش نقل می شود این جمله است که: بچه ها اگر کسی تمام شاشنما را بخواند دیگر هر کلاهی به می پیکر و بیست را شعر نمی نامد.

سهیل محمودی درباره مظاهر مصفا می گوید: او امروز تنها پهلوان این عمر که شاعری درحال و هنرجار سخن فاخر فارسی است. (۱)
نظر او بعد از شرفه، قصیده فارسی بود و استاد ملک الشعراء بهار و پس از او برخی دیگر از سرآمدان و سرهاگن سر فاخر این روزگار که باستان مرزهای سخن فاخر بودند. یکی استاد امیری فیروز کوچی، با آن قصاید محکم و استوار، بدلی خانقانی با آن همه اشعار و تبسک تاریخ و حکمت و معرفت. آن هم در کنار آن غزل های سرشار از لطایف و دقایق کبلی هندی یا به تعبیر خود آن زنده یاد: سبک اسفهانلی و دکتر مهدی حمیدی شیرازی، حتی اگر بپسندیم، برخی آثار او را و زنده یاد استاد بهار و استاد یگانه ای که در سال های حیاتش و پس از آن نیز نانشناخته مانده، با این همه خلایق و

شعر و شاعر، و حرکتی است به سوی زبان دیگر و بیان دیگر زبان و جان و سخن بی زبان بی حرف و کلام و درستی است از تلاش تن فرمای این جاست و جو پیوسته در احساس تنگی حال و مضیفه مجال مقال است و حرف را دون ترین زبان است می داند. و بار خستگی خود را از این تنگی مجال و مضیفه، بر سر وزن فرمی می زند. اما تکیه طلسمی بر آندازی را در پایان قالب غزل های او می توان دید. او دم و صورت و حرف و کلام و مضمون و غزل همه در حجاب می بیند و به خاموشی رو می آورد. (۷)

در مورد مظاهر مصفا گفته جلد خانواده امیر. مهرش خاتم امیر فیروز کوچی است که در سال ۱۳۲۲ با او آشنا شد که از نینز دکتری ادبیات و دختر استاد امیری است که بعد از ازدواج نمود او پس از پیوند دوسر و دختر است که در معرقتین آنها علمی مصفا است و یازگی و کارگران نام آشنای سنبهوا مهرس لای حاسنی اختر مرحوم حاسنی. با این همه اینکه مظاهر مصفا از مصاحبه و گفت و گو و نوشتن سخن می پرزیدند حاکمیت از صلیبات او دارد نه غرور و کبر تیختر. بد نیست نوشته مان درباره مظاهر مصفا را بخارده ای که او برای مجله بخارا تعریف کرده است به پایان بریم (۸)

اومی گوید: در آن سال که رابطه ایران و افغانستان و گرمی داشت از من خواستند تا نامه را جمعی به آن دیار سفر کنم. من سخت در خست ماندم روزی فرعه قال به نام استاد عبقری، دکتر سادات ناصری زنده.
او در آن زمزمین جان باخت. در دانشگاه تهران به پیششمان هم از او استیضیح کردند. در مرتبتم او می گریست و ترکتی بندی می ساختم. روزی که در مسجد دانشگاه، آماده خواندن آن رثا می شدم، چشم به مهدی اخوان ثالث افتاد. سر به سوی زانو آن خم داشت و همچون شمع شکسته ای بر جگم سجد خیزیده بود. پیش خواندن رثای سادات بنی اخوان چون دودی در سرم چون دردی در دم پیچید و چون ذهنی بر زانم گذشت:
دلم کهوره غم های عالم
دلم شوق تا مفرق تاب می خورد

فالم بر آون خنیده خوانان ثالث شد. من به دشواری گریبان از جنگ حال بریشان با هم دست و چهره حیران اخوان بیرون و سر به راه خواندن مرتب در جاک سادات آوردم. چند بار دستم و در هم گفتم، استاد عزیز تا بچه گفتار، دکتر محمد رضا شیبی گفتی که با من پیشش اخوان را در میان گذاشت که برمیسد است از تو برمیسد در آن مسجد آن بیت را خود خواندی... روزی که در خیابان زردشت در پشت چاره اخوان به عنوان کهنه پرستی قسم خورده بودی می رفتم و می گریستم اوای بعضی دره اودو کسی در گوشم و دست مهریاش در گرم پیچید. می گریست می گفت: آخر گفتی آن سال آن روز در آن مسجد آن بیت اخوان را چرا خواندی. با جنازه اخوان هم راه او تا بهشت زهرا رفتم سزوده سه بندی سرد و سیاه و تلخ ترم گریه او آن را مرور می کنیم.

سردست روزگار من و روزگار سرد
سردست دست و دل دل و دستم به کار سرد
چون مهرگان هواي پهار گزیده است
سردست روزگار خزان و پهار سرد
آری او دل دیار خمیوم خر که بود
پیام بار سرد و نسیم دیار سرد
از دست جور و دستم دل و دم به دست شکست
خسته مباد دست و دل دل و دستم به کار سرد
روزم و شب و شب و شب سیاه
روزم و شب و شب و شب سیاه
تا مهر تابناک وجودت غروب کرد
گردد آسمان زبان و ادب سبزه
بنیاد من بکنده غمت در شب فرقی
روی فرقی و روی من بکنده غم و روی بی کام
هر صبح به مشام زهر می بریزد هم به کام
آرزون من است مگر صبح شام
تلخ است روزگار من و روزگار تلخ...

دلیل، بیش از همه من) ار که می کنم، در جهت شناختن و شناساندن جوهر و درون تنست. (گفتن درباره مولانا)
راهی است که قالب و کلام و حرکتی است در مسیر رقص و شور سماع کلمه ها در خفا و وزن و آهنگ و ضرب و قول و نغمه غزل ورود و سرودست مستند بر اندازی که حیات شکفته شگفت او، در کالبد هر کلمه به جامه اش با جیندگی و چرخش و شوق و اشتعال دامه یافته است. در کلمه بارها می شنکند و بارها رنگ حیات در ترد مرز آفرین میلاد و مرگ درمی یابد. مثلث کت در این حرکت، در خط بیرونی چایخانه صورت می گیرد و از حصار قلب و محدودیت نگاه تنجی نمایی. اما همه با این همه آراء است که مگر از روزنه این حد و حصار راهی به دیدن آن جوهر جان بازگشاید! (۳)

هر روز گاری که مدعیان و داعیان شعر فراوانند و معر که جنجالها برای برخی عرصه اول و برخی که بی جهت به تهمت شاعری نامی اند، تاوان از خواندن و قرات می غلطد و درست حتی یک قصیده از بهار و امیری فیروز کوچی را دوست و او...
مصفا در خلوت خویش نشسته و همچنان در باره مولانا و منشوی می پژوهد و می نویسد و وزن را در میان اشعارش می جوید. چنانکه در خصوصی وزن در دیوان شمس مولانا می نویسد: «وزن در دیوان شمس مولانا بیش از همه جا حرکت و هیجان و حال وحسن شعر است و در همت است که در پشت کلمه پرده کلمه ها به دایندیری و شور انگیزی و حال جریان دارد. رقص همراه با رزم و زمزمه جادویی شعر است. موسیقی ای است که کلمه ها به ضرب و آهنگ آن می رقصند و به خنده و گریه و غم و شادی و حسدگان این شکر خانه سماع شور و حال و حرکت و هیجان می بخشند و قافیه اگر به تعبیری زین زرین شعر است به عبارتی موفقی و تکیه گاه موسیقی و رقص و رتم وزن است و سراننده راه شناس، با خستگی و بستگی و تنگی نفس و دشواری رانندگی طبع در مردند و غرق یزان خاطر خوششان را در دوش محمل و بار می آید. در این منزل به منزل تکیه می دهد و از پایان حسیل و مشکوه خیزد آن نیروی آغازی دیگری کسب می کند. (۴)

مظاهر مصفا شعر مولانا را شعر بی کلام گفتن در فرگاه غزلها می داند و می نویسد: او به استه است، به تکرار همین جزها و ضرب و آهنگ وزن و قافیه اکتفا می کند. (۵)
مظاهر مصفا عاشق مولانا است. چه مترق است، مولانا آن نیست که به هنگام شور و جوش و غلیان حال، در ریز و درشت و صافی و کدر و سست و درست خشت و گل و آب و خاک به هم کده کرده غنایان بیرون خود ترید و تأمل وارد دارد. هر چه این شاگردان چلاک و شاطر، به دست او خنهد، او به گرمی و اضطراب و شور و شتاب بر هم می دهد و دیواری پیش چشم خویش برمی آورد و در پایان، غرق یزان و مدحشود، برپای آن سر می نهد و جناب سختی را، که از دیوار وزن و قافیه، کلمه و ترکیب بندی روی می بیند، نمی پسندد. اما در او نیروی و رنگی بر جای نمانده است و به ناچار شانه های خسته و کرده شکسته خود را زین بار سنگین آن دیوار، که گاهی بسیار بلند و عالی از رحمت نسبت به سزاندنه خویش است، به دشواری می گستره. (۶)

او جلال الین محمدیخی را شاعری عسایگر می داند و می نویسد: «در این که جلال الین محمد در شاعری عسایگر است و گاه به گاه در حالتی که به وصف آن برای من میسر است و گاه در آن که آن عصیان او آشکار می شود، شک نیست. اما این عصیان، به تنها در برابر وزن است با قافیه یا شکل، بلکه خستی در تنگی بیان از گفت و صوت و حرف از زبان، از الف بی قی، از موقول فاعات از موقتل متعطلن، از تریج و از غزل و

پی نوشتها:
۱- گفته نامه کتاب فرهنگ پارسی
۲- نقد پارسی
۳- همان
۴- ۷۶۶۵ مقدمه داستانهای منشی
۵- بخارا شماره سی و هشتم



راهی از پایان

ایبداع و توانمندی رتک برانگیز و شادروان محمود منشی کاشانی... و از آن تبار و نسل قبلیه است استاد مظاهر مصفا. که او با ماست و در کنار ماستی و شادمانگی ما که امروزه، نگاهبان قصر قصیده است. به هر گونه جنجال و صاهوس و مصاحبه و گفت و گو و عکس و نقیضات و چیزهایی که عرض اند و جوهر، شاعری، فراتر از این جاره جنجال ها و هیجان ها (۲)
حاجب اینجاست که مظاهر مصفا علاوه بر سردن شعر و طبع آثار متعدد، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۲۲ اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگری، صد و سی سخنرانی در برنامه صدای شاعر از دیوبهر تهران و ۱۲ سخنرانی از ادیب ایران و سخنرانی های متعدد، در مجامع علمی و ادبی مانند جشن قلب، سال فردوسی دانشگاه تهران، کنگر جهانی سعدی و حافظ در شیراز، جشن صمدین سال دانشکده خوارشناسی پنجاب لاهور و میسار دیرین ادبیات فارسی و در باسلر و مقالات و مصاحبه های متعدد است. همچنین به اعتراف بسیاری از ادبا و ادب پژوهان، مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سردن قصیده تجرر داشته و بیشتر اشعار خود را در زمینه سروده است. یکی از علاقی و دفعه های اصلی مظاهر مصفا مولاناست. او درباره مولانا می گوید: مولانا را از همه کمتر می شناسم و شاید به همین

توره های تابستان ۸۴
دوبی
تایلند
موت ۷۵۲۲۲۳۸
فروش بیلت گله خطوط هوایی

ایران ورد
پذیرش آگهی
تلفن: ۸۷۳۶۶۵۹۹
تعمیر: ۹۶۸۱۹۷۶

شرکت سهامی باتری نیرو
منافسه
گروه صنایع باتری نیرو در نظر دارد سرویس ایاب و نهاب کل قتان خود را در سه شیفت از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و اگتار نماید.

شرکت آهک سیدان قم
تولید کننده پودر آهک هیدراته صنعتی
calcium hydroxide
دارای گواهینامه کیفی مصرف
در صنعت نفت و تصفیه آب، بسته بندی
صادراتی و دسترسی به حمل و نقل آسان

تایلند
ماریاریس
دوبی
موت ۸۷۵۱۶۵۳
مهرزور: ۶۶۳۷۱۷۱

مول چارترکاسین
دوبی
تلفن: ۲۲۲۲۲۲۶

شرکت سهامی باتری سازی نیرو
منافسه
گروه صنایع باتری نیرو در نظر دارد تکمیلاری فضای سیز کارخانه خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و اگتار نماید.

شرکت سهامی باتری سازی نیرو
منافسه
گروه صنایع باتری نیرو در نظر دارد تکمیل انجام کارهای حیواناتی و نقیضات کارخانه را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و اگتار نماید.

توره های هفتگی
چین
پرواز ایران ایر ۸ روزه ۴ شب یکن - ۳ شب شانگهای
پرواز قطر ایرویز ۹ روزه ۴ شب یکن - ۴ شب شانگهای
آژانس تاتینا ۸۷۵۵۵۸۴

مرغاب
چین
ماریاریس
بدروم
تلفن تماس: ۲۲۹-۳۵۷۴-۰۹۶

آنتالیا
کوش آداسی
ماریاریس
بدروم
تلفن تماس: ۲۲۹-۳۵۷۴-۰۹۶

آنتالیا
کوش آداسی
ماریاریس
بدروم
تلفن تماس: ۲۲۹-۳۵۷۴-۰۹۶

توره های تابستان ۸۴
آلانیا
ماریاریس - بدروم
دفتر مرکزی: ۶۹۰۲۲۰۰ - ۶۹۰۲۲۰۰

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۴/۱۱۱
بانک ملت در نظر دارد:
تعداد ۳۰۰ دستگاه اسکاس شمار ایستاده

منافسه
این شرکت در نظر دارد، تعداد ۳۰۰۰۰ تخته، گونی به رنگ بژ از جنس پلی پروپیلین لمینده شده با ضخامت ۲۵ میکرون در ابعاد ۵۰ در ۸۸ سانتیمتر به صورت پکتی با ۲٪ خرداریش ۲۰۰ ماده مقاوم به اشعه ماورا اب بنفش (UV) خرداریش نماید.

چین
تایلند
تور باهنگوک و یا قاتا و ویزا + بیلت
آستانبول
تلفن: ۸۹۵۷۸۱۸-۸۹۸۳۶۶۶

منافسه
اداره گل تدارکات
اداره معاملات عمومی

شرکت پالایش قطر ان ذغالسنگ